مفهوم خِرد در پازند مینوی خِرد

دکتر ویدا ندّاف [1]

عضو هیأت علمی گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد همدان

شعله پاک نژاد صحنه

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد همدان

چکیده

متن‌های پازند از جمله آثار به جای مانده از دوره‌ی میانه‌ی زبان فارسی است. پازند همان آوانویسی متن پهلوی به الفبای اوستایی است. متن «پازند مینوی خِرد» از اندرزنامه‌های دوره‌ی میانه است که متن پهلوی آن در ایران موجود بوده است. این کتاب شامل 62 پرسش و پاسخ است که بین دانا و مینوی خِرد مطرح می‌شود. واژه ی خِرد که در مفهوم«خواستن، تدبیر، هدف، پند، هوش، فهم و عقل» بکار رفته است در متن مینوی خِرد در مفهوم خِرد افزونی، خِرد پرهیزگاران، خِرد غریزی و خِرد همه آگاه آمده است. در این مقاله ابتدا پرسش و پاسخ‌هایی که خِرد در آن‌ها بکار رفته است آورده شده، سپس به تجزیه و تحلیل مفهوم آن پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها:

خِرد، پازند، مینوی خِرد، اندرز نامه.

1- Vida_nadaf@yahoo.com

تاریخ وصول: 90/11/18 تاریخ پذیرش: 90/1/30

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

مقدّمه

زبان فارسی میانه به زبانی اطلاق می‌شود که دنباله‌ی زبان فارسی باستان و در واقع تحوّل یافته‌ی آن است. اصطلاح پهلوی را برای این زبان به کار برده‌اند، پهلوی منسوب به پهلو است و این واژه از صورت ایرانی باستان پرثوه(parθava) آمده است که در اصل به سرزمین پارت اطلاق می‌شد. فارسی یا پارسی منسوب به پارس مشتق از صورت ایرانی باستان پارسه است که نام سرزمین فارس است.(آموزگار،1375 :13).

1-1 اندرزنامه‌ی مینوی خِرد

یکی از آثار ادبی به جای مانده از فارسی میانه‌اندرزنامه‌ها است. بخش مهمّی از ادبیّات پهلوی را متن‌های حکیمانه و اخلاقی تشکیل می‌دهد و مشخّصه‌ی بارز مجموعه‌اندرزهای آن است که به دو گروه توصیه‌های دینی و حکمت عملی تقسیم می‌شوند. این گونه ادبیّات در مشرق زمین سابقه‌ی دیرین دارد. مضمون بسیاری از اندرزهای گروه دوم را می‌توان در ادبیّات دیگر ملل یافت زیرا حاصل تجربیّات بشری است. اندرزها در زمره‌ی ادبیّات شفاهی‌اند و تعیین مؤلّف و زمان تألیف آن‌ها امری دشوار و گاه ناممکن است و اغلب به بزرگان و حکما و گاه به شاهان و روحانیان نسبت داده شده است. (زرشناس، 1383: 61).

دادستان مینوی خِرد(یا حِکَم‌ها و رای‌های مینوی خِرد) را از جهت در برداشتن اندرزها و حِکَم بسیار می‌توان در عداداندرزنامه‌های پهلوی به شمار آورد. بیشتر نصایح مذکور در این کتاب از نوع اندرزهای دینی است، امّا مینوی خِرد منحصراً اندرزنامه نیست، بلکه در آن از آفرینش و وقایع اساطیری و معاد و غیره نیز سخن رفته است.

کتاب دارای یک مقدّمه و 62 پرسش و پاسخ است. پرسش‌ها از جانب شخصیّتی خیالی که«دانا» نامیده شده است مطرح می‌شود و « مینوی خِرد» (= روح عقل) به آن‌ها پاسخ می‌گوید. در مقدّمه‌ی کتاب درباره‌ی این دانا آمده است که چگونه به دنبال حقیقت به سرزمین‌های مختلف سفر کرد و با علمای مختلف محشور و با عقاید گوناگون آشنا شد و سرانجام خِرد را برگزید و مینوی خِرد بر او متجلّی شد و دانا پرسش‌های خویش را بر او عرضه کرد. (تفضّلی،1379 :11).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

1 -2 مفهوم پازند و نسخه‌های موجود از پازند مینوی خِرد

پازند عبارت است از آوانویسی متون پهلوی به الفبای اوستایی و در دوره‌های متأخّر به الفبای فارسی. پازند فنّی است برای بهتر خواندن پهلوی.(آموزگار،1386: 91).

به علّت اشکالات نگارشی خط پهلوی، و وجود املای تاریخی[1] و شبه تاریخی[2] و نیز هزوارش‌ها[3]، همه‌ی این مشکلات در خط و زبانی، لااقل در دنیای قدیم، تا وقتی که از پشتیبانی حکومت و دین رسمی کشور برخوردار بود کمتر تولید اشکال می‌کرد، دبیران و دست اندرکاران آن را می‌آموختند و به مشکلاتش کمتر می‌اندیشیدند. امّا وقتی این خط و زبان از رسمیّت افتاد و پشتیبانی دینی و حکومتی را از دست داد و جز در میان اقلیّت زردشتی که به تدریج تعدادشان کاسته می‌شد منزلتی نیافت، یک به یک مشکلاتش پر رنگ‌تر شد و در نتیجه حتّی در میان اقلّیت زردشتی نیز به خطّی که تلفّظ صحیح دعاها و نیایش‌ها را بدهد بیش‌تر احساس گردید و همین نیاز بود که پازند را به وجود آورد. (همان: 92-91).

مینوی خِرد که پازند آن کار *نریوسنگ*[4] است، اصل پهلوی آن بعداً در هند از بین رفته است. نسخه‌ی پهلوی موجود که از طریق ایران باقی مانده است تفاوت‌هایی با پازند *نریوسنگ* دارد و احتمال این را که *نریوسنگ* از نسخه‌ی دیگری استفاده کرده است قوی‌تر می‌نماید. (همان: 94).

متن پهلوی مینوی خِرد نسخهK43 است که در سال 938 یزدگردی(1569 میلادی) نوشته شده است. این نسخه که از روی نسخه‌ی هندی نوشته شده بود از ایران به هند برده شد.

در سال 1895 دستور داراب پشوتن سنجانا کتابی با مقدّمه و یادداشت‌های انتقادی و فلسفی تحت عنوان« «The Dinâ i Maînû- i-Khrat یا « تصمیمات دینی مینوی خِرد» به چاپ رساند. این اوّلین متن کامل پهلوی بود. علاوه بر این نسخه، نسخه‌های دیگری همچون TD2 به پهلوی و TD3 نسخه‌ی پازند- سنسکریت و TD4 نسخه‌ی قدیمی پازند- سنسکریت یا J2 نسخه‌ی پازند- گجراتی نیز موجود است. (Anklesaria,1913:1-22)

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

1-2-1 خِرد در پازند اندرزنامه‌ی مینوی خِرد

همان طور که گفته شد مینوی خِرد کتابی است مشتمل بر پرسش و پاسخ، که پرسش‌ها از طرف شخصیّتی خیالی که دانا خوانده شده طرح و مینوی خِرد به آن‌ها پاسخ داده است. پرسش و پاسخ‌هایی که واژه‌ی خِرد در آن‌ها آمده است با توجّه به متن پازند مینوی خِرد، ویراسته(Antia,1909) و با استفاده از واژه نامه‌ی مینوی خِرد (تفضّلی، 1348) و نیز کتاب مینوی خِرد، نگاشته (West,1979) به فارسی برگردانیده شده‌اند عبارتند از:

پرسش44 از دیباچه: برای نگاهداری تن، و نجات روان، چه چیز بهتر و برتر است؟ 45 و آنان بنابر آنچه در دین پیداست گفتند، 46 که از نیکی که به مردمان برسد، خِرد به است؛ 47 زیرا که گیتی را با نیروی خِرد شایست اداره کردن؛ 48 و مینو را با نیروی خِرد شایست از آنِ خود کردن. 49 و این نیز پیداست، که اورمزد آفریدگان و دهش[5] را در گیتی با آسن خِرد[6] آفریده است؛ 50 چه اداره‌ی گیتی و مینوی با خِرد است. 51 و هنگامی که، بزرگ سودی و ارجمندی خِرد به این ترتیب دید، به مینوی خِرد خدای اورمزد و امشاسپندان سپاسگزار شد؛ 52 و مینوی خِرد را پناه داد؛ 53 و برای مینوی خِرد، نماز و پرستش بسیارکرد تا به دیگر امشاسپندان. 54 و این را نیز دانست که همه‌ی کار و کرفه[7] و کنش فراورن[8] ، با نیروی خِرد از آنِ خود شایست کردن؛ 55 و کوشا باید بودن به خشنودی مینوی خِرد؛ 56 و بعداز آن، در یزش کردن مینوی خرد کوشاتر بود.

پرسش1،66 که در یاری بخت برای مردمان خِرد بهتر است.۲،1 پرسید دانا از مینوی خِرد 2 که رادی بهتر است یا راستی؟ 3 یا سپاسداری یا خِرد

پرسش5،۲ مینوی خِرد پاسخ داد6 که برای روان رادی، و برای همه‌ی جهان راستی،7 و نسبت به ایزدان سپاسداری و در تن مرد خِرد

پرسش1،10 پرسید دانا از مینوی خِرد 2 که خِرد بهتر است یا هنر؟ 3 مینوی خِرد پاسخ داد 4 که خِردی که با نیکی نیست آن را خِرد نباید شمرد، 5 . هنری که در آن خِرد نیست، آن را هنر نباید شمرد.

پرسش1،22 پرسید دانا از مینوی خِرد 2 که با خِرد و دانایی، با تقدیر می‌توان ستیزه کرد یا نه؟ 3 مینوی خِرد پاسخ داد 4 که حتی با نیرو و زورمندی و خِرد و دانایی، با تقدیر

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

ستیز نمی‌توان کرد 5 زیرا هنگامی که تقدیر برای نیکی، یا بدی فرا رسد، دانا در کار گمراه باشد، نادان در کار آگاه باشد، پرسش1،29 پرسید دانا از مینوی خِرد 2 که کدام زندگی بدتر است؟ 30 و از نظر خِرد چه کسی ناپسندیده تر است؟

4 مینوی خرد پاسخ داد 5 که زندگی آن کسی بدتر است، که با بیم و گفتار دروغ زندگی کند. 6 و از نظر خِرد کسی ناپسندیده تر است که به مینو نگرود و گیتی را بیاراید.

پرسش1،34پرسید دانا از مینو خِرد2 که چه مردی را توانگر، و چه مردی را درویش باید به شمار آورد؟

3 مینوی خِرد پاسخ داد4 این مردم را توانگر باید به شمار آورد: 5 یکی آن که به خِرد کامل[است]،6 دوم، آن که تندرست است، و بدون ترس زندگی می‌کند، 7 و سوم، آنکه از آنچه برای او اتّفاق افتاده است، خرسند است، 8 و چهارم آنکه بخت از طریق درستکاری، یار اوست،

12 و این چند دسته مردم را باید درویش به شمار آورد:13 یکی آن که خِرد ندارد، 14 دوم آن کسی که تندرست نیست،

پرسش1،38 پرسید دانا از مینوی خِرد2 که کدام نیرو شایسته‌تر است؟ 3 و از نظر خِرد، چه کسی کامل تر است؟

21 مینوی خِرد پاسخ داد22 که به نیرو کسی بایسته تر است، که وقتی او را خشم گیرد، بتواند خشم را بنشاند، و گناه نکند، و خویشتن را آرام کند، 23 و به خِرد کسی کامل تر است، که بتواند روان خویش را نجات دهد،

پرسش1،56 پرسید دانا از مینوی خِرد2 که چرا دانش و کاردانی مینو و گیتی هر دو با هم، به تو پیوسته است؟

3 مینوی خِرد پاسخ داد4 که زیرا از نخست من که «آسن خِرد» هستم، از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم،5 دادار اورمزد، ایزدان آفریده در مینو و گیتی و دیگر آفریدگان را با نیرو و قدرت و دانایی و کاردانی« آسن خِرد» آفرید، و نگه می‌دارد و اداره می‌کند،6 و در انتهای فرشگرد[9] ، اهریمن و فرزندانش را می‌توان به نیروی خِرد بیشتر نابود کرد و از میان برد،7 و سوشیانس[10] با کیخسرو[11] و آنانی که رستاخیز[12] و تن پسین[13] کنند، با نیرو و یاری خِرد بهتر می‌توانند انجام دهند.8 دانش و کاردانی گیتی و فرهنگ و آموزش هر پیشه

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

و همه‌ی نظم و ترتیب فصول با خِرد باشد، 9 و روان اشونان[14] به سبب نیرو و نگاهبانی خِرد، بیشتر به رهایی از دوزخ می‌رسند و به بهشت گرودمان[15] می‌آیند،10 و مردمان در گیتی زندگی خوب و شادی و نیکنامی و همه نیکی‌ها را با نیروی خِرد می‌توانند بخواهند...

19 و هر انسان از خِرد بیشتر بهره ببرد، آن گاه بهره‌ی بیشتری از بهشت می‌برد،20 و نیز گشتاسب[16] و زردشت و کیومرث[17] و دیگر کسانی که از بهشت بیشتر بهره برند، به این دلیل است که خِرد بیشتری به آنان رسیده است،21 و جم[18] و فریدون[19] و کاووس[20] و دیگر حاکمانی که نسبت به ایزدان قدرت و توانگری بیشتری یافتند، و نیامدن آن‌ها به بهشت، و نیز آنانی که نسبت به سروران خویش ناسپاس بودند، به این دلیل بود که خِرد به آن‌ها کم رسیده بود.

22 و نیز اهریمن و دیوان، انسانی را بیشتر می‌فریبند و به دوزخ می‌برند، که از نظر خِرد فقیرتر و از جهت خیم سبک تر است.

30 این نیز پیداست که اورمزد هنگامی که اهریمن را با همه‌ی آفریدگان بر سر پیمان آورده بود، پس با همه‌ی ایزدان و امشاسپندان انجمن کرد و از خِرد خویش گفت و انگارد[= سپاس کرد] 31 و این نیز پیداست که در مدّت نه هزار سال از فرشگرد تا رستاخیز و تن پسین، همه‌ی آفریدگان را خِرد نگاه می‌دارد و اداره می‌کند.

2-2-1 مفهوم واژه‌ی خِرد در اوستا، فارسی باستان، پهلوی و شاهنامه

در اوستا واژه‌ی -xraθw-/xratav اسم مذکّر است و به معنای«خواستن، تدبیر، هدف، مشورت، پند، هوش، فهم، خِرد و عقل» به کار رفته است.

(Barthloamae,1961,p.335)

در فارسی باستان-xraθu به معنی« خِرد» است.(Kent,1953,p.180)

در زبان پهلوی /xrad/,hlt به معنی« خِرد، عقل» است.(مکنزی، 1379 :164)

در شاهنامه‌ی فردوسی خِرد در 100 بیت(Wollf,1965: 317) به معنی عقل به کار رفته است برای نمونه:

به نام خداوند جان و خِرد کزیـــن برتر اندیشه بر نگذرد

(شاهنامه،1376، دیباچه،1)

خِرد گر سخن برگزیند همی همان را گزیند که بیند همی

(همان،8)

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

خِرد بهتر از هر چه ایزد بداد ستایش خِرد را به از راه داد

(همان،18)

2-2-2- مفهوم خِرد در متن پازند اندرزنامه‌ی مینوی خِرد

بنابر پرسش و پاسخ‌های آورده شده متن این اندرزنامه(←1-2-1-) برای نگاهداری تن و نجات روان، خِرد از نیکی بهتر است و با نیروی خِرد می‌توان گیتی را اداره کرد و مینو را به دست آورد.

اورمزد آفریدگان جهان را با خِرد ذاتی آفریده است و با نیروی خِرد است که کار و کرفه به دست می‌آید و شخص به بخت و اقبال می‌رسد. رادی برای روان، راستی برای همه‌ی جهان، سپاسداری برای ایزدان و خِرد برای تن مرد بهتر است. خِردی که همراه نیکی نباشد، خِرد نیست و هنری هم که همراه خِرد نباشد هنر نیست. با خِرد و دانایی نمی‌توان با تقدیر ستیز کرد، زیرا دانا نیز به هنگام کار ممکن است گمراه شود، و نادان به آگاهی برسد. از دید خِرد کسی که به مینو نمی‌گرود و جهان آرای است ناپسندیده تر است. مردمی توانگرند که خِرد کامل داشته، تندرست هستند و بدون ترس زندگی می‌کنند، و نیز آنانی درویش‌اند که خِرد ندارند. مردمی کامل ترند که روان خویش را نجات می‌دهند، زیرا دانش و کاردانی مینو و گیتی هر دو با هم، به مینوی خِرد پیوسته است.

دادار اورمزد، ایزدان مینوی و گیتی و آفریدگان را با نیرو و قدرت و کاردانی خِرد آفریده و نگه می‌دارد و اداره می‌کند، و در فرشگرد اهریمن و فرزندانش را با نیروی خِرد می‌توان نابود کرد و از میان برد.

با نیرو و یاری خِرد است که سوشیانس همراه با کیخسرو و نیز آنانی که رستاخیز و تن پسین کنند این کار را بهتر انجام دهند. دانش و کاردانی در گیتی و فرهنگ و آموزش و همه نظم و ترتیب فصول به عهده‌ی خِرد است. در آخرت، روان پرهیزگاران با نیرو و نگاهبانی خِرد از دوزخ می‌رهند و به بهشت گرودمان می‌رسند. افرادی چون گشتاسب و زردشت و کیومرث چون از خِرد بهره برده‌اند، از بهشت بیشتر بهره می‌برند، و نیز افرادی چون جم و فریدون و کاووس که از ایزدان قدرت بیشتری یافتند، به علت کم خِردی به بهشت نرسیدند.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

نتیجه

خِرد در اندیشه‌ی زردشتی نقش اصلی و محوری دارد و با وجود آفریدگار بزرگ یکی است. کلّ آفرینش جهان، از ابتدا تا پایان با خِرد رهبری می‌شود. در جای جای گاهان که بیشتر از دیگر بخش‌های اوستا به اندیشه‌های خود زردشت نزدیک است، بیش از همه شاهد تأثیر خِرد در همه‌ی جوانب زیستی هستیم.(آموزگار،1386 :222).

با توجّه به مفهوم خِرد در متن مینوی خِرد، خِرد را می‌توان به 1- خِرد افزونی 2- خِرد پرهیزگاران 3- خِرد غریزی یا آسن خِرد 4- خِرد همه آگاه، بخش کرد.

1- خِرد افزونی یا خِرد مقدّس، خِردی است که به وسیله‌ی آن مردم در اندیشه همان گونه همدیگر را ببینند که اکنون با چشم یکدیگر را می‌بینند، مانند پرسش۱،66 که در یاری بخت برای مردمان خِرد بهتر است و نیز در تن خِرد بهتر است.

2- خِرد پرهیزگاران خِردی است که روان با تن همواره خواستار آن است، مانند پرسش38،23 و به خِرد کسی کامل تر است که بتواند روان خویش را نجات دهد، یا پرسش56،9 و روان اشونان به سبب نیرو و نگاهبانی خِرد، بیشتر به رهایی از دوزخ می‌رسد و به بهشت گرودمان می‌آید.

3- خِرد غریزی یا آسن خِرد همان خِرد ذاتی است که از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است. اهورامزدا خِرد ذاتی را با منش خویش به نیکان می‌بخشد. برای نمونه دیباچه49 و این نیز پیداست که اورمزد آفریدگان و دهش را در گیتی با آسن خِرد آفریده است.

پرسش56،4 زیرا از نخست من که «آسن خِرد» هستم از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم5 دادار اورمزد، ایزدان آفریده در مینو و گیتی و دیگر آفریدگان را با نیرو و قدرت و دانایی و کاردانی«آسن خِرد» آفرید و نگه می‌دارد.

4- خِرد همه آگاه خِرد اورمزدی است که در آن تاریکی و نادانی نیست. به کمک همین خِرد است که اورمزد نابودی دیوان را می‌بیند و زوال نیروهای اهریمنی را در پایان زمان در می‌یابد. برای نمونه پرسش56 ،6 و در انتهای فرشگرد، اهریمن و فرزندانش را می‌توان به نیروی خِرد بیشتر نابود کرد و از میان برد.22 و نیز اهریمن و دیوان، انسانی را بیشتر می‌فریبند و به دوزخ می‌برند که از نظر خِرد فقیرتر و از جهت خیم سبک تر است.

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

وجود متنی به نام مینوی خِرد(پهلوی-پازند) در دوره‌ی میانه‌ی زبان فارسی به زبان فارسی میانه، و نیز اهمیّت واژه‌ی خِرد در اوستا (کتاب مقدّس زردشتیان) هم در گاهان(اوستای کهن) و هم در اوستای نو در چهار مفهوم نام برده شده(خِرد افزونی، خِرد پرهیزگاران، خِرد غریزی و خِرد همه آگاه) و نیز اهمیّت این واژه در متن‌های کلاسیک و حماسی ایران از جمله شاهکار زبان فارسی، شاهنامه، دلالت بر این نکته دارد که ایرانیان از دوران باستان تا حال همواره برای خِرد و خِردورزی ارزش ویژه‌ای قائل بوده‌اند.

پی نوشت‌ها

1- املای تاریخی بدین معناست که صورت مکتوب واژه‌ها نشان دهنده‌ی تلفظّی است که آن واژه‌ها در هنگامی که نخستین بار به آن خط نوشته می‌شده است، دارا بوده‌اند. در بیشتر خط‌های معمول جهان املای تاریخی وجود دارد. در خط فارسی واژه ی «خواهر» و «خواب» املای تاریخی دارند یعنی صورت مکتوب و ملفوظ این واژه‌ها با یکدیگر اختلاف دارد(آموزگار و تفضلی، 1373: 36).

2- املای شبه تاریخی بدین معناست که املای برخی واژه‌ها در خط پهلوی به گونه‌ای است که نشان دهنده‌ی صورت ملفوظ قدیم تر آن‌ها نیست، بلکه به قیاس واژه‌های دیگر که املای تاریخی در آن‌ها وجود دارد، نگاشته شده‌اند. مثلا واژه ی «بزرگ» در زبان فارسی میانه به صورت«و چ ل گ»نوشته شده است در حالی که صورت فارسی باستان آن«vazraka » است و باید آوای «ز» در خط پهلوی با حرف«ز» نشان داده می‌شد. نوشتن حرف «چ» به جای حرف«ز» در این واژه به قیاس واژه‌هایی بوده است که در آن‌ها در اصل آوای «چ» وجود داشته و بعدا به «ز» تحول یافته است(همان: 37).

3- در خط پهلوی تعدادی از واژه‌های آرامی الاصل به خط‌های ایرانی نوشته می‌شد ولی در هنگام خواندن، معادل معنایی آن‌ها در زبان‌های ایرانی تلفظ می‌شد. این واژه‌ها را در زبان پهلوی هزوارش می‌نامند. برای نمونه واژه آرامی MN به معنای «از» حرف اضافه‌ای است که به خط پهلوی نوشته می‌شد و az تلفظ می‌شد(زرشناس،1382: 110).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

4- نریوسنگ، دانشمند پارسی در سده‌های یازده تا دوازده میلادی(پنج یا شش قمری) می‌زیسته است از پازند نویسان صاحب نام است که بسیاری از آثار پهلوی را به زبان سنسکریت ترجمه کرده و به خط اوستایی برگردانیده است(زرشناس، 1382: 52).

5- بخشش، آفرینش

6- آسن خِرد در پهلوی āsn xrad، اوستا -xratav و -ā-sna، به معنای خِرد ذاتی است، از ریشه -zan به معنای زادن. این خِرد که انسان با آن زاده می‌شود، در برابر «گوشان سرود خِرد » قرار دارد که خِرد آموخته است (بهار،1375: 97-96).همان خِرد ذاتی است که از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است.

7 -کار نیک

8- کنش، کردار و عمل نیک

9- در پهلوی fraš(a)gird، اوستا -frašō.kərətay . جهان نو ساخته در پایان دوره‌ی دوازده هزار ساله و برقراری جاودانه پاکی و تقوی(همان: 41).

10- یکی از سه پسران زردشت که نجات بخشان پایان هزاره‌هایی هستند که از زردشت آغاز می‌شود. سوشیانس در اوستا به صورت-saošyant ، صفتی است که از جمله برای این سومین فرزند نجات بخش زردشت به کار رفته است. واژه‌ی اوستایی به معنای کسی است که دارای تقوایی تن یافته باشد و واژه‌ی پهلوی معنای سود بخش و شاید نجات بخش دارد(همان:199).

11- در پهلوی kay husraw، اوستا -haosravah، دارای لقب -kavay. خسرو به معنای خوشنام است. یکی از پادشاهان کیانی است که با رفتن او به آسمان این دوره‌ی اساطیری به سر می‌رسیده است و درست به همین دلیل او فرجامین شاه بوده است، بنا به اساطیر، در پایان جهان باز خواهد گشت و جاودانه به سلطنت جهان خواهد رسید(همان: 195).

12- در پهلوی rist-āxēz، rist به معنی «مرده» است. -āxēz ماده مضارع āxistan «برخاستن» است. روی هم: «برخاستن مردگان» (ابوالقاسمی،1376: 268-269).

13- عبارت است از زندگی مجدد مردمان پس از نابودی اهریمن و نیروهای اهریمنی و انجام یافتن رستاخیز(بهار،1375: 40).

14- پرهیزگاران، نیکوکاران، درستکاران

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

15- یا گرزمان در پهلوی garōdmān، اوستا -garō.dəmāna، به معنای خانه ستایش، بهشت برین را گویند(همان:131).

16- در پهلوی wištāsp ، اوستا-vīštāspa به معنای دارنده‌ی اسب آماده. در گاهان زردشت از وی یاد شده است و بر می‌آید که شخصیّتی تاریخی بوده است(بهار،1375: 196).

17- در پهلوی gayōmard ، اوستا -gayō.marətan به معنای زندگی میرنده، نام نخستین انسان است. او ششمین خلق مادّی هرمزد است که آفریدنش هفتاد روز به درازا می‌انجامد(همان:49).

18- در پهلوی jam ، jamšēd ، اوستا -yima و در سنسکریت -yamá ، از کهن‌ترین چهره‌های اساطیر هند و ایرانی است. در اساطیر ودایی، جم سرور جهان مردگانی است که به سعادت ابدی رسیده‌اند، یعنی فرمانروای بهشت برین(همان:225).

19- در پهلوی frēdōn، اوستا -θraētaona با معنایی که روشن نیست. او پسر -āθwya و دومین کسی بود که گیاه هوم را فشرد تا عصاره‌ی آن در آیین‌های دینی نوشیده شود(همان:191).

20- در پهلوی kāyōs ، اوستا -usan از خاندان -kavay . او دومین شاه کیانی است که بر همه‌ی کشورها، پری‌ها و جادوان پیروز می‌شود(همان:193).

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]

کتاب نامه

آموزگار، ژاله، تفضّلی، احمد.1375.***زبان پهلوی،ادبیات و دستور آن***. تهران: معین چاپ دوم.

ـــــ،ـــــ.1386. ***زبان فرهنگ اسطوره*** (مجموعه مقالات). تهران: معین. چاپ اوّل.

ابوالقاسمی، محسن. 1376. ***راهنمای زبان‌های باستانی ایران***، دستور و واژه نامه. تهران: سمت. جلد دوم.چاپ اوّل.

بهار، مهرداد،1376. ***پژوهشی در اساطیر ایران***.تهران: آگاه. چاپ دوم

تفضّلی، احمد.1379. ***مینوی خِرد***. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: توس. چاپ اوّل.

ـــــ ، ـــــ 1348. ***واژه نامه‌ی مینوی خِرد***. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. چاپ اوّل.

زرشناس، زهره.1382. ***زبان و ادبیّات ایران باستان***. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ اوّل.

فردوسی، ابوالقاسم.1387. ***شاهنامه***. بر اساس نسخه‌ی ژول مول. به کوشش عبدالله اکبریان راد.. تهران: انتشارات الهام. چاپ اوّل.

مکنزی،دیوید نیل.1379. ***فرهنگ کوچک زبان پهلوی***. ترجمه‌ی مهشید میرفخرایی تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.. چاپ دوم.

Anklesaria,T.D. 1913. ***Dânâk-u Mainyô-i khrad*** : Bombay.

Antia, Ervad Edalji Kersaspji.1909. ***Pazand Texts***: Bombay.

Bartholomae, Ch.1904. ***Altiranisches wörterbuch***: Strassburg.

(فرهنگ ایرانی باستان، با پیشگفتار بدرالزّمان قریب، 1383، انتشارات اساطیر)

Kent, R. 1953. ***Old Persian***: New Haven.

Wolff, F. 1965. ***Glossar zu Firdosis Schahname***: Germany.

West, E., W. 1979. ***The Book of The Mainyo-I-Khard or The Spirit of Wisdom.***

APA-oriental Press: Amsterdam .

[Downloaded from erfaniyat.iauh.ac.ir on 2024-03-29]